

The Imagology of Iranians in Eastern and Western Cities of Iran in Ibn Battuta's Travelogue



Doi:10.22067/jall.v13.i2.84508



Ehsan Ghabool¹

Assistant Professor in Persian Language and Literature, Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad, Iran

Abdollah Radmard

Associate Professor in Persian Language and Literature, Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad, Iran

Zahra Shariat Panah

PhD Candidate in Persian Language and Literature, Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad, Iran

Received: 6 December 2020

Accepted: 1 May 2021

Abstract

The main goal of imagology is to represent the images of ethnic groups and nations in the literary works of another nation, and travelogues are among the important texts in which the travel writer pictures his views through his travels to other countries. These images, on the one hand, reflect the characteristics of the people of those countries and, on the other hand, reveal the individual and ethnic characteristics of the travel writer. This study sought to identify the images of different types of eastern and western cities of eighth century Iran by identifying and analyzing Ibn Battuta's travelogue, as one of the important works of travel literature in Arabic literature, and to analyze and interpret the reasons for this attitude of Ibn Battuta and to know him to some extent. In this regard, with a descriptive-comparative method, we divided the image of Iranians in the two areas of eastern and western cities into three types of positive, negative and neutral images and based on economic, social, cultural, religious and political characteristics. The this research is important because for the first time the eastern and western cities of eighth century Iran are compared and the view of a Moroccan tourist on Iranians is analyzed. The results show that out of a total of 51 images extracted, the opinion of Ibn Battuta about 80% of the images of Iranians is positive and 20% is negative. The reasons for this positive attitude are rooted in the social and cultural similarities between Iran and Tangier, as well as the well-being of the situation in Iran compared to other countries and territories. Also, in general, we see the better economic situation of the western cities of Iran compared to the eastern cities, which was due to the widespread destruction of the economic infrastructure of the eastern cities of Iran, including markets and caravanserais, caused by the Mongol invasion.

Keywords: Imagology, Ibn Battuta Travelogue, Iran, Eastern Cities, Western Cities.

¹. Corresponding author. Email: ghabool@um.ac.ir

زبان و ادبیات عربی، دوره سیزدهم، شماره ۲ (پیاپی ۲۵) تابستان ۱۴۰۰، صص: ۴۴-۲۲

تصویرشناسی ایرانیان در شهرهای شرقی و غربی ایران در سفرنامه ابن بطوطه



(پژوهشی)



احسان قبول (استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد، ایران، نویسنده مسئول)^۱

عبدالله رادمرد (دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد، ایران)

زهرا شریعت پناه (دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد، ایران)

Doi:10.22067/jall.v13.i2.84508

چکیده

هدف اساسی در دانش تصویرشناسی بازنمایی تصاویر اقوام و ملل در آثار ادبی ملتی دیگر است و سفرنامه‌ها از جمله متون مهمی هستند که سفرنامه‌نویس از رهگذر سفر به کشورهای دیگر دیدگاه خود را به تصویر می‌کشد. این تصاویر از یک سو ویژگی‌های مردم آن کشورها را بازتاب می‌دهد و از سوی دیگر ویژگی‌های فردی و قومی سفرنامه‌نویس را آشکار می‌سازد. این هدف همانی است که در این جستار در پی آن بوده‌ایم تا با شناسایی و تحلیل سفرنامه ابن بطوطه، در جایگاه یکی از آثار مهم ادبیات سفرنامه‌ای در ادبیات عرب انواع تصاویر شهرهای شرقی و غربی ایران قرن هشتم را شناسایی و دلایل نگرش ابن بطوطه را تحلیل و تفسیر کنیم و تا حدی به شناخت ابن بطوطه دست یابیم. در این راستا با روشی توصیفی - مقایسه‌ای تصویر ایرانیان را در دو حوزه شهرهای شرقی و غربی در سه نوع تصویر مثبت، منفی و خنثی و بر اساس شاخصه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مذهبی و سیاسی تقسیم‌بندی کردیم. ضرورت انجام این پژوهش از این جهت است که برای نخستین بار شهرهای شرقی و غربی ایران قرن هشتم با هم مقایسه می‌شود و نگاه یک جهان‌گرد مراکشی به ایرانیان تجزیه و تحلیل می‌شود. نتایج این تحقیق نشانگر این است که از مجموع ۴۸ تصویر استخراج شده نظر ابن بطوطه مراکشی در حدود ۸۰ درصد تصاویر ایرانیان مثبت و ۲۰ درصد آن منفی است. دلایل این نگرش مثبت ریشه در شباهت‌های اجتماعی و فرهنگی میان ایران و طنجه دارد و نیز به سامان بودن اوضاع ایران نسبت به دیگر کشورها و سرزمین‌ها. همچنین در مجموع تصاویر شاهد وضعیت مناسب‌تر اقتصادی شهرهای غربی ایران نسبت به شهرهای شرقی هستیم که به علت تخریب گسترده زیرساخت‌های اقتصادی شهرهای شرقی ایران پس از حمله مغولان از جمله بازارها و کاروان‌سراها بوده است.

کلیدواژه‌ها: تصویرشناسی، سفرنامه ابن بطوطه، ایران، شهرهای شرقی، شهرهای غربی.

۱. مقدمه

بررسی تصویر اقوام و ملل در ادبیات ملل دیگر از جمله حوزه‌های پژوهشی ادبیات تطبیقی است که افرادی چون ژان ماری کاره و گیارد^۱ از آن نام برده‌اند. این حوزه در طی تحوّل و تکامل ادبیات تطبیقی شاخه‌ای را پدید آورد که با عنوان تصویرشناسی^۲ مشهور شد و با رویکردی میان‌رشته‌ای در پی نشان دادن سیمای یک قوم از منظر یک فرد خارجی در سفرنامه‌ها و یا آثار ادبی است. این تصویر می‌تواند از ابعاد گوناگون اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ... باشد و نگرش مثبت، منفی و خنثای سفرنامه‌نویس و یا شاعر و نویسنده یک قوم را نسبت به قوم دیگر نشان دهد و نیز خود بستری برای شناخت فرد توصیف‌کننده و شناسایی نگرش‌ها و پیش‌فرض‌های او باشد.

یکی از سفرنامه‌هایی که با نگرشی ارزش‌گذارانه به توصیف اقوام گوناگون پرداخته، سفرنامه ابن بطوطه است. او در سال ۷۰۳ قمری در طنجه مغرب به دنیا آمد و در ۲ رجب سال ۷۲۵ ه.ق. به قصد زیارت خانه خدا و مرقد پیامبر اسلام - (ص) - زادگاه خود را ترک کرد و در طی سفرش از جزایر مالدیو تا مصر را بازدید کرد. ایران یکی از کشورهایی است که ابن بطوطه از آن بازدید کرده و ظاهراً از برخی شهرهای آن دو بار عبور کرده است. توصیف او از شهرهایی که دو بار آن‌ها را دیده با جزئیات بیشتری همراه بوده است. اگرچه در بسیاری موارد گزارش‌های دو سفر در یکدیگر ادغام شده و ملاقات‌هایی را که در جریان سفر دوم داشته در ضمن حکایت سفر اول می‌آورد.^۳

مقصود از ایران در این پژوهش همانی است که قلقشندی در «صبح الاعشی» تعیین کرده است: «ایران سرزمین کسری‌ها (خسروان) است. این سرزمین در فاصله رود فرات تا رود جیحون که بلخ در آن‌جا واقع است، و خلیج فارس، و آنچه نزدیک دریای هند است تا دریایی که قلمز یا دریای منطقه طبرستان نامیده می‌شود واقع شده است». هم‌چنین به نقل از «مسالك الابصار» می‌نویسد که «طول این سرزمین از رود جیحون است که انتهای خراسان را در بر گرفته تا رود فرات که آن را از دیار شام جدا می‌سازد. و عرض آن از کرمان است که در مجاورت دریای فارس که بخشی از دریای هند است واقع شده تا انتهای آنچه در اختیار بازماندگان پادشاهان سلجوقی روم تا منتهی الیه علیا و انطالیا در دریای روم قرار داشته است» (قلقشندی، ۱۳۸۰: ۲۹). بر این اساس در این پژوهش شهرهای اصفهان، شیراز، تبریز، آبادان، شوشتر، هرمز، کیش شهرهای غربی و بخارا، سمرقند، بلخ، خوارزم، مشهد، هرات و نیشابور که از شهرهای شرقی ایران است که مورد بازدید ابن بطوطه قرار گرفته و جغرافیای ایران را در این پژوهش تشکیل می‌دهد.

مسئله اصلی این پژوهش این است که در یکی از آثار مهم ادبیات عرب در قرن هشتم، نویسنده‌ای مراکشی چه نگرشی به ایرانیان داشته و از این رهگذر تفاوت‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مذهبی و سیاسی میان شهرها و اقوام شرقی و غربی ایران را چگونه تبیین کرده است و تحلیل خود را درباره دلایل و انگیزه‌های نگرش ارزش‌گذارانه و تصویرپردازی ابن بطوطه ارائه داده‌ایم. روش پژوهش در این تحقیق توصیفی - مقایسه‌ای است که بر اساس رویکرد عمومی تصویرشناسی نخست به استخراج، طبقه‌بندی و توصیف ابعاد مختلف تصویر ایرانیان در سفرنامه ابن بطوطه پرداخته شد و پس از آن به تحلیل ارزش‌گذارانه هر یک از این ویژگی‌ها در سه صورت مثبت، منفی و خنثی

پرداخته‌ایم و سرانجام ضمن مقایسه تصاویر شهرهای شرقی و غربی ایران و بیان تفاوت‌های آن، دلایل این تفاوت‌ها را بیان کرده‌ایم.

در این جستار دو پرسش و فرضیه اساسی مطرح است که عبارت‌اند از:

- ۱- نگرش ارزش‌گذارانه ابن بطوطه نسبت به شهرهای غربی و شهری چیست؟
شهرهای غربی ایران تصاویر بهتر و مثبت‌تری نسبت به شهرهای شرقی دارد.
- ۲- مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر نگرش ابن بطوطه به شهرها و اقوام ایرانی چیست؟
انگیزه‌ها و پیش‌فرض‌های مذهبی و شرایط زیست‌بوم ابن بطوطه از عوامل مؤثر در توصیف تصاویر و ایجاد نگرش‌ها و گزاره‌های مثبت و منفی وی بوده است.

بنابراین دو محور بنیادین این مقاله عبارت‌اند از: تحلیل تصاویر شهرهای شرقی و غربی در سفرنامه ابن بطوطه از منظرهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مذهبی و سیاسی؛ شناسایی عوامل تأثیرگذار بر نگرش ابن بطوطه به ایرانیان.

۲. مبانی پژوهش

تصویرشناسی ویژگی اصلی تصویر را برآمدن آن از تفاوت میان یک «من» و یک «دیگری» و میان «اینجا» و «آنجا» تعریف می‌کند. از این رو تصویرشناسی بیان یک تفاوت میان دو نظام واقعیت و دو مکان است. تصویرشناسی بر دو فرضیه استوار است. فرضیه نخست این است که گفتمان‌ها درباره دیگری نامحدود نیستند و می‌توان آن‌ها را در چهارچوب سنخ‌شناسی‌ها منظم کرد. دومین فرضیه این است که بین تاریخ ادبی کلاسیک و بررسی‌های کلی نوعی هم‌سازی وجود دارد. عصر نشر انبوه عملاً سر و کار داشتن صرف با «آثار بزرگ» نویسندگان ملی را ناممکن می‌سازد. در روش تصویرشناسی فرانسوی از تحلیل چندلایه‌ای استفاده می‌شود که مبتنی بر چهار مرحله است. بررسی واژگان، تحلیل کانون‌شدگی، بازنمایی فضا، تحلیل زمان دیگری و روابط میان زمان من و زمان دیگری (نانکت، ۱۳۹۰: ۱۰۷-۱۰۹). تصاویر یک قوم یا ملت در دانش تصویرشناسی قابلیت ارزش‌گذاری دارد؛ با این توضیح که اگر سفرنامه‌نویس از واژگان و عبارت‌ها و بافتار مثبت متنی در توصیف دیگری بهره گیرد تصاویر مثبت و مطلوب را ارائه داده است و در صورتی که بازنمایی منفی از افراد و محیط داشته باشد، تصاویر منفی از دیگری گزارش کرده است. در برخی موارد نیز هیچ نوع نگرش ارزش‌گذارانه از تصاویر به دست نمی‌آید که تصاویر خنثی نامیده می‌شود و با تصاویر توصیفی محض روبه‌رو هستیم. در خصوص ریشه‌یابی دلایل نگرش ارزش‌گذارانه مثبت، منفی و یا خنثای یک سفرنامه‌نویس به قوم یا ملتی دیگر روش‌های مختلفی را می‌توان برشمرد که روش‌های تحلیل محتوا و استفاده از قرینه‌های برون‌متنی تاریخی و اجتماعی معتبر تلقی می‌شود.^۴

۳. پیشینه پژوهش

درباره مسأله این پژوهش تحقیقاتی انجام شده است، از جمله: پایان‌نامه «گزارش‌های ابن بطوطه از اوضاع علمی و نهادهای آموزشی و عبادی ایران در روزگار ایلخانان مغول و تحلیل بر آن‌ها» اثر قنبرعلی رودگر (۱۳۷۳) به راهنمایی نورالله کسائی است که ضمن شرح زندگی ابن بطوطه به بررسی اوضاع سیاسی و اجتماعی و معرفی نهادهای علمی و آموزشی و عبادی در این سفرنامه پرداخته و تعدادی از رجال علمی را که ابن بطوطه با آن‌ها ملاقات داشته از منظر تاریخی معرفی کرده است. مقاله دیگر «بررسی سفرنامه ابن بطوطه از منظر ادبیات تطبیقی» از خلیل پروینی و فرشته کنجوریان (۱۳۸۸) است. در این مقاله نویسندگان، سفرنامه ابن بطوطه را از منظر نظریه فرانسوی ادبیات تطبیقی تحلیل و بررسی کرده‌اند و به اطلاعاتی درباره زنان، عزاداری، غذا، پوشش و چهره ظاهری برخی از اقوام مانند ایرانیان، هندوان، چینی‌ها و عرب‌ها اشاره شده است. مقاله «تصویر ایران و ایرانیان در سفرنامه ابن بطوطه» نوشته نرگس گنجی و فاطمه اشراقی (۱۳۹۳) است. در این مقاله توصیفاتی از ایرانیان به صورت کلی آمده است. تفاوت این مقاله با پژوهش گنجی و اشراقی در روش و مسأله تحقیق است؛ با این توضیح که روش این پژوهش بر پایه دانش تصویرشناسی است که پس از گزاره‌بندی ویژگی‌های ایرانیان و تقسیم‌بندی و تحلیل آن به تصاویر مثبت، منفی و خنثی به ریشه‌یابی دلایل آن پرداخته‌ایم و دیگر این‌که مسأله اساسی در این مقاله بررسی تفاوت تصاویر شهرهای شرقی و غربی ایران است که در مقاله گنجی و اشراقی هیچ اشاره‌ای به آن نشده است.

مقاله دیگر «تصویرشناسی زنان در سفرنامه ابن بطوطه» نوشته احسان قبول، عبدالله رادمرد و زهرا شریعت‌پناه (۱۳۹۷) است که تصاویر زنان در اقوام گوناگون سفرنامه ابن بطوطه را توصیف، تحلیل و مقایسه کرده است. در این پژوهش از روش، اطلاعات و نتایج این مقاله در بخش زنان ایرانی بهره برده‌ایم و از تکرار مطالب و تحلیل‌ها تا حد امکان خودداری شده است.

در هیچ‌کدام از پژوهش‌های نام‌برده شده از منظر تصویرشناسی به شهرها و اقوام ایرانی نگریسته نشده است و در این مقاله برای نخستین بار تحلیلی کامل از تصویر ایرانیان در سفرنامه ابن بطوطه از ابعاد مختلف ارائه می‌شود و در این میان مقایسه‌ای میان شهرهای شرقی و غربی ایران نیز شده است و تا حدی با شناسایی ویژگی‌های نگرشی ابن بطوطه پرداخته‌ایم.

۴. تصویر ایرانیان در سفرنامه ابن بطوطه

۴.۱. جنبه‌های اقتصادی

یکی از جنبه‌های مهمی که ابن بطوطه در هر یک از شهرهای ایرانی مورد بازدیدش به آن پرداخته، جنبه‌های اقتصادی است و مهم‌ترین شاخصه اقتصادی، بازار است. بازار رگ حیاتی اقتصاد شهر و رشته اتصال آن با شهرها و سرزمین‌های دیگر بوده است. بازارها را از دو وجه کلی می‌توان بررسی و شناسایی کرد. ابتدا از نظر معماری بناهای آن و نحوه شکل‌گیری آن در نظام کالبدی شهر ثانیاً نقش غیرکالبدی و معنایی آن در انسجام یک شهر (خیراندیش و

منصوری، ۱۳۹۱: ۵۱). ابن بطوطه در اصفهان و شیراز از وضعیت بازارها و صنایع آن تصاویر مثبتی ارائه می‌دهد. (ابن بطوطه، ۱۹۹۲: ۲۲۰). در این شهرها هر صنف و دسته‌ای برای خود نظام و ترتیبی دارد و از کلوها به عنوان رئیس این دسته‌ها نام می‌برد. نقش‌های سیاسی و اجتماعی کلوها در این شهرها محسوس و پررنگ بوده است. «آنها کدخداهای محلات بودند که نبض ماجراجویان شهر در دستشان بود. این کلوها در هرج و مرج‌های اواخر عهد ایلخانان، از راه عیاری و پهلوانی، در فارس قدرتی به هم رسانیدند» (زرین کوب، ۱۳۷۸: ۲ و ۳). بازار تبریز نیز یکی از نشانه‌های اهمیت شهر تبریز بوده است. در تبریز نیز به نظم و ترتیب اصناف اشاره دارد. در توصیف بازار تبریز به رواج انواع عطریات و لوازم آرایش اشاره می‌کند و می‌توان به وضعیت مطلوب اقتصادی این شهر پی برد (ابن بطوطه، ۱۳۶۱: ۲۵۳).

یکی دیگر از جنبه‌های اقتصادی مورد توجه مسافران سازه‌های آبی شوشتر است که نقش مهمی در شکل‌گیری و تداوم حیات در این شهر داشته‌اند. ابن بطوطه از رودخانه کارون با نام «نهر الازرق» یاد می‌کند (ابن بطوطه، ۱۹۹۲: ۲۱۲). در منابع دیگر این نام مشاهده نشده و روشن است ترجمه عربی از نام فارسی مصطلح قرن هشتم آن بوده است. «آب کردند» ظاهراً همان لفظی بوده که ابن بطوطه به «نهر الازرق» ترجمه کرده است. وی در توصیف غذاهای مدرسه شوشتر از نان و گوشت و برنج و جوجه بریان می‌گوید و این مسئله نشان از وضعیت اقتصادی مطلوب مدارس شهر شوشتر و اهالی آن دارد؛ زیرا مسافران را با چنین غذاهایی پذیرایی می‌کردند و به هر کس به اندازه چهار تن غذا می‌دادند (همان: ۲۱۳). این خود نشانگر مهمان‌دوستی و دست و دل بازی اهالی این شهر است و اگر در روایت ابن بطوطه مبالغه نباشد، رفتار مسرفانه ایشان را آشکار می‌کند. رواج پرورش دام و طیور و مناسب بودن زمین و آب و هوای این منطقه برای کشت برنج از دیگر تصاویر قابل برداشت از این بخش است.

اقتصاد در شهرهای شرقی ایران مانند بخارا، سمرقند، هرات، بلخ به دلیل حمله مغولان و خرابی بازارها رونقی ندارد و ابن بطوطه به این موضوع اشاره می‌کند که مردم در نهایت خواری و ذلت به سر می‌برند (ابن بطوطه، ۱۳۶۱: ۴۱۴). حال آن‌که مورخان و جغرافی‌دانان پیش از ابن بطوطه به شکوه و عظمت بازارهای بخارا اشاره کرده‌اند.^۵

ابن بطوطه بلخ را شهری ویران توصیف می‌کند هرچند منظره شهر چنان می‌نمود که گویی هنوز آبادان است و بناهای اصلی مستحکم بود و این شهر بسیار وسیع و پرجمعیت بود و آثار مساجد و مدارس آن تاکنون برجای است (ابن بطوطه، ۱۹۹۲: ۴۲۱). هم‌چنین بازارهای خوارزم را خوب و شلوغ به تصویر می‌کشد که در روزهای تعطیل از ازدحام این بازارها کم می‌شود^۶ (همان: ۴۰۰). در روایت او از نیشابور پارچه‌های حریر از قبیل نخ و گمخا (نوعی پارچه رنگارنگ از جنس حریر) و غیره بافته می‌شود این پارچه‌ها را برای فروش به هندوستان می‌فرستند (همان: ۴۳۲). کم شدن ازدحام جمعیت در روزهای تعطیل در خوارزم و تأکید و توصیف ابن بطوطه از آن می‌تواند نشانگر این باشد که در محل زندگی وی و یا دیگر شهرهای مورد بازدیدش روزهای تعطیل بازارها شلوغ بوده است. هم‌چنین دلیل این کم شدن جمعیت در شهر خوارزم در روزهایی مانند جمعه را می‌توان به مشارکت آن‌ها در نماز جمعه و به سربردن ایام تعطیل با خانواده دانست.

شهرهای شرقی ایران			شهرهای غربی ایران		
-	خرابی بازار به دلیل حمله مغول	بخارا	+	نظم و ترتیب بازارها	شیراز
-	خرابی بازار به دلیل حمله مغول	بلخ	+	نظم و ترتیب بازارها	اصفهان
+	بازارهای شلوغ و پررونق	خوارزم	+	نظم و ترتیب بازارها رواج عطریات و نظام اقتصادی مطلوب پذیرایی از مهمان(مهمان دوستی)	تبریز
+	صادرات پارچه حریر به هند	نیشابور	+	سازه آبی کارون غذاهای کافی برای افراد	شوشتر

بنابراین با توجه به تصاویر اقتصادی ارائه شده در سفرنامه ابن بطوطه از شهرهای غربی می‌توانیم به اوضاع مطلوب کشاورزی و دامپروری و بازارهای آن پی ببریم. در توصیفات ابن بطوطه از وضعیت به‌سامان بازارها در نواحی غربی ایران، ۷ تصویر مثبت ارائه شده که نشانگر رونق اقتصادی این منطقه است اما در دیگر سو در شهرهای شرقی ایران، از ۴ تصویر ۲ تصویر آن منفی است که به دلیل حمله مغول در آن زمان شاهد آن رونق و وسعت روزگار پیشین بازارها نیستیم. تعداد تصاویر کمتر بازارها در شهرهای شرقی نسبت به شهرهای غربی نشانه این است که ابن بطوطه به بازارهای شرقی توجه کمتری کرده است.

۴. ۲. جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی

یکی دیگر از جنبه‌های قابل توجه در سفرنامه ابن بطوطه درباره ایرانیان موضوعات اجتماعی و فرهنگی است که در این میان تصاویر مربوط به موقعیت اجتماعی زنان و عادات غذایی بازتاب بیش‌تری یافته است.

۴. ۲. ۱. موقعیت اجتماعی زنان

زنان از جمله موضوعاتی است که ابن بطوطه در توصیف اقوام گوناگون با نگاه ویژه‌ای آن‌ها را توصیف کرده است. این نگاه و توصیف درباره زنان شهرهای مختلف ایران نیز صادق است. هر چند به دلیل پوشش مناسب زنان ایرانی او کم‌تر توانسته است تصاویر جنسی از زنان ایرانی نسبت به زنان اقوام دیگر بیان کند.

۴. ۲. ۱. ۱. پوشش زنان

پوشاک را از دیدگاه‌های مختلفی هم‌چون گروه‌های قومی و حوزه‌های جغرافیایی و فرهنگی، گروه‌های جنسی و سنی و بر اساس پوشش اندام‌های تن انسان مانند سرپوش‌ها، برقع و... می‌توان نگریست. (محبتی، ۱۳۸۹: ۲۰) ابن بطوطه زنان شیرازی را از لحاظ زیبایی و طرز لباس پوشیدن ستوده است. وی آنان را آراسته به زیور دین و عفاف می‌داند چون

بر چهره خود برقع می‌افکنند (ابن بطوطه، ۱۹۹۲: ۲۲۳). بر اساس نگاه دقیق ابن بطوطه نسبت به زنان هر شهر آن‌چه قابل تأمل است اشاره نکردن به وضعیت زنان اصفهانی در این سفرنامه است. از قرن هفتم هجری به بعد تا به قدرت رسیدن صفویان جز در موارد اندک، اطلاعات چندانی از مشاهیر زنان اصفهان در دست نیست و این را می‌توان به دلیل مصایب و صدماتی دانست که در تهاجم مغولان، حمله تیمور و یا دوران ملوک الطوائفی، به‌ویژه عصر سلطه ترکمانان بر آن شهر رفته بود. بنابراین یکی از علل نپرداختن ابن بطوطه به زنان اصفهان می‌تواند همین باشد. حضور کم‌تر زنان اصفهانی در جامعه و محدود بودن ایشان به درون خانه می‌تواند از دیگر دلایل نبود تصاویر از ایشان در سفرنامه ابن بطوطه باشد.

نکته دیگر در تصاویری که ابن بطوطه از زنان شرقی ایران در شهرهایی مانند خوارزم ارائه می‌کند سادگی پوشش می‌باشد به گونه‌ای که خاتون شهر خوارزم لباسی ساده بر تن داشته است (همان، ۴۰۳). این سادگی می‌تواند ریشه در تفاوت اقلیمی، فرهنگی و اقتصادی اقوام مختلف داشته باشد. مثلاً ابن بطوطه در تبریز به رواج جواهرات و زینت آلات و عطر و لوازم آرایش در بین زنان ترک اشاره می‌کند در حالی که حتی زنان طبقه بالای جامعه در نواحی شرقی نیز پوششی ساده دارند^۷. وضعیت اقتصادی مناسب در غرب و وضعیت اقتصادی نامناسب در شرق می‌تواند دلیل این تفاوت در پوشش باشد. هم‌چنین می‌توان هجوم مغولان به شهرهای شرقی را عامل پیدایش رفتاری در زنان این ناحیه دانست که برای تعرض نشدن به ایشان از هرگونه خودآرایی و جلوه‌گری و حضور غیر لازم در خارج خانه اجتناب می‌کردند.

۴. ۲. ۱. جایگاه اجتماعی و وضعیت تعلیم زنان

موقعیت اجتماعی زنان در تمام جوامعی که ابن بطوطه از آن گزارش تهیه کرده یکسان نبوده است. اهمیت و شأن منزلت اجتماعی زنان در میان مغولان تنها مختص به زنان طبقه بالای اجتماع نبوده، بلکه زنان طبقه متوسط نیز دارای اهمیت و نفوذ بودند. مثلاً از تاش‌خاتون مادر سلطان ابواسحاق نام می‌برد که در کنار مزار احمد بن موسی مدرسه و زاویه ساخته که در آن برای مسافریین طعام داده می‌شود و این نشان از حضور زنان در صحنه اجتماعی آن روزگار دارد و این‌که عموم زنان آن روزگار منفعل و خانه‌نشین نبوده‌اند. بنا کردن خانقاه نیز توسط خاتون ترابک نشان دهنده فعالیت اجتماعی زنان در سده هشتم در خوارزم می‌باشد (ابن بطوطه، ۱۹۹۲: ۴۰۴). از مجموع این تصاویر برداشت می‌شود که زنان متمول شهرهای شرقی ایران بیش از آن‌که به ظواهر و زیور آلات علاقه‌ای داشته باشند به صرف اموال برای امور خیر و مذهبی علاقه‌ای داشته‌اند.

شهرهای شرقی ایران			شهرهای غربی ایران		
*	سادگی پوشش زنان	خوارزم	+	ستودن طرز لباس پوشیدن و استفاده از نقاب	شیراز
+	ساختن خانقاه و مساجد		+	آراسته به زیور عفاف و حجاب	
			+	زیبایی	
			+	شرکت در فعالیتهای اجتماعی	
				ساختن مدرسه	
			+	زیبایی زنان تبریزی	تبریز
			-	آرایش و چشم و هم چشمی زنان ترک	

از زنان شهرهای غربی ایران، ۷ تصویر در رحله ابن بطوطه ارائه شده که ۶ تصویر مثبت است و تنها یک تصویر منفی است که به چشم‌وهم‌چشمی زنان تبریزی اشاره کرده است که این خود نشانگر سطح مالی مناسب ایشان بوده است و در اصفهان به وضعیت زنان این ناحیه اشاره ای نشده است. در نواحی شرق ایران ۳ تصویر ارائه شده که ساده پوشی زنان خوارزم خنتی است که بیانگر سطح اقتصادی معمولی این شهر بوده است. هر چند به سنت پسندیده وقف و ساختن مدارس، خانقاه یا مسجد توسط زنان دارای مکننت این منطقه اشاره کرده است. هنگامی که سفرنامه‌نویسی بر یک موضوع تأکید می‌کند و تصاویر متنوعی از آن ارائه می‌دهد نشانگر جالب بودن آن برای وی و تفاوت آن با تصاویر ذهنی او در جامعه‌اش است. بنابراین در این باره می‌توان استنباط کرد که زنان شهرهای غربی ایران در مجموع شبیه‌تر بوده است به زیست‌بوم ابن بطوطه تا شهرهای غربی.^۸

۴.۲.۲. عادات غذایی شهرهای شرقی و غربی ایران

در سخنان ابن بطوطه می‌توان به تصاویر مختلفی از انواع غذاها در نواحی شرقی و غربی ایران پی‌برد. وی در این باره در تبریز به این نکته اشاره می‌کند و می‌گوید: «وعليه مدرسة حسنة وزاوية فيها الطعام للوارد والصادر من الخبز واللحم والارز المطبوخ بالسمن والحلواء وأنزلي الأمير بتلك الزاوية (ابن بطوطه، ۱۹۹۲: ۲۵۲).

آنچه از این توصیف قابل تأمل است تنوع غذایی برای ایرانیان به دلیل گسترش کشاورزی می‌باشد. به این ترتیب نان از جو یا گندم به عنوان قوت اصلی طبقات مختلف جامعه به ویژه طبقات پایین به شمار می‌آمد. گوشت نیز از لذیذترین خوراکی‌ها محسوب می‌شد. برخی از خوراکی‌ها نیز جنبه تجملی داشت؛ مانند حلوا که بیشتر در سفره‌ی اغنیا و معمولاً در کنار دیگر غذاها نهاده می‌شد.

در توصیف ابن بطوطه از غذاهای مرسوم خوارزم آنچه مهم است، اشاره به آداب غذا خوردن در خوارزم می‌باشد. (همان: ۴۰۳). در هنگام غذا خوردن سفره پهن می‌کردند و خوراکی‌ها را بر آن می‌نهادند. ظروف مورد استفاده در بین طبقات بالای جامعه اختصاصی بود. ایرانیان بر این عادت بودند که غذا را با قاشق، کارد و سیخ (چنگال) می‌خوردند در

صورتی که اقوام دیگر با دست غذا می‌خوردند (غزالی، ۱۳۶۶: ۱۰). با توجه به این‌که قاشق یک واژه ترکی است نشانه کاربرد زیاد آن در میان آن قوم بوده است (دهخدا، ۱۳۶۱: ۸۴۲). نکته قابل تأمل دیگر، گوشت پرندگان خانگی همچون مرغ و کبوتر دستداران زیادی داشته و توانگران با کباب کبک و قرقاول مهمانان‌شان را پذیرایی می‌کردند. به این ترتیب پرورش کبوتر و کبک و بسیاری از پرندگان حلال گوشت برای استفاده از گوشت و تخم آن‌ها در بین مردم این دیار رایج بود (ابن بطوطه، ۱۳۶۱: ۴۱۰). آنچه در توصیفات ابن بطوطه و یاقوت حموی قابل تأمل است، این است که یاقوت حموی عادات غذایی خوارزمیان را ساده توصیف می‌کند که از پرخرجی دیگر شهرها در آن‌جا خبری نیست و خوراک مردم عادی و ثروتمندان را یکی می‌داند در حالی که ابن بطوطه سفره غذای امیر خوارزم را آراسته به انواع جوجه‌های بریان و میوه‌های مختلف و هم‌چنین استفاده از ظروف و قاشق در صرف غذا وصف می‌کند. این اختلاف می‌تواند ریشه در مهمان دوستی ایرانیان داشته باشد که مهمانان خود را گرمی می‌داشتند و بهترین خوراک‌ها را برایشان مهیا می‌کردند. هم‌چنین سخن یاقوت درباره توده مردم خوارزم است و ابن بطوطه از میزبانی امیر خوارزم سخن به میان می‌آورد که نشانگر تفاوت سطح زندگی توده مردم خوارزم با امیر آن است.^۹

ابن بطوطه درباره عادات غذایی مردم اصفهان، در جایگاه یکی از شهرهای غربی ایران از هندوانه عجیبی که غیر از بخارا و خوارزم در هیچ جای دنیا مانندش وجود ندارد، سخن می‌گوید (ابن بطوطه، ۱۹۹۲: ۴۰۴).

ابن بطوطه عمل خشک کردن میوه هندوانه را در شهر خوارزم در اصفهان نیز مشاهده کرده است که نشان از عادات غذایی مشابه میان این دو شهر است. هم‌چنین وی عمل خشکاندن هندوانه خوارزم را به عمل نگه داشتن شریحه گوشت و انجیر در منطقه سکونت خودش شبیه می‌داند. تداعی شهر خوارزم به زیستگاه ابن بطوطه نشانگر شباهت خوارزم با طنجه است که وی به صورت‌های مستقیم و غیر مستقیم به این شباهت‌ها اشاره می‌کند.

ابن بطوطه غذای غالب مردم هرمز را خرما و ماهی معرفی می‌کند که از بصره و عمان به آن‌جا می‌آوردند (ابن بطوطه، ۱۹۹۲: ۲۹۹). ضرب المثلی در میان مردم هرمز هست که می‌گویند: «خرما و ماهی، لوت پادشاهی» که این ضرب‌المثل در متن عربی نیز فارسی آمده است (ابن بطوطه، ۱۳۶۱: ۳۰۰). با توجه به این‌که غذای عموم مردم همین خرما و ماهی بوده است و آن وابسته به واردات از مناطق دیگر بوده نفس تأمین مواد غذایی برای اهل هرمز بسیار حیاتی بوده و از تأمین غذای غالب‌شان نهایت رضایتمندی را داشته‌اند و آن را غذای پادشاهان می‌دانسته‌اند.

ابن بطوطه در آبادان، در جایگاه شهر غربی دیگر، به خانقاهی می‌رود و با عابدی در آنجا آشنا می‌شود که می‌گفتند ماهی یکبار به لب دریا می‌آید و به اندازه یک ماه صید می‌کند. وی ماهی‌ای را به ابن بطوطه می‌دهد و پس از این داستان ابن بطوطه شکر خدا می‌کند که در دنیا به مراد خود که سیر و سیاحت است رسیده اما افسوس می‌خورد از مراد اخروی بازمانده که در آن‌باره به لطف و عفو خدا امید دارد و از دلش می‌گذرد که باقی عمر را در ملازمت خدمت شیخ به‌سربرد اما نفس لجوج او را از قبول این امر بازمی‌دارد (ابن بطوطه، ۱۳۶۱: ۱۷۹). این تصویر از معدود تصاویری است که ابن بطوطه جذب معنوی فرد دیگری می‌شود که این می‌تواند نشانگر تناسب ویژگی‌های معنوی شهر آبادان و عابد مورد نظر با علائق معنوی وی باشد.

شهرهای شرقی ایران			شهرهای غربی ایران		
+	استفاده از گوشت پرندهگان	خوارزم	+	هندوانه اصفهان	اصفهان
+	استفاده از کارد و چنگال در غذا خوردن		+	انواع غذاها و مهمان دوستی	تبریز
+	هندوانه خوارزم و عمل خشکاندن		+	خرما و ماهی	هرمز
			+	تناول عابد مورد عنایت ابن بطوطه از ماهی	آبادان

کلیه تصاویر مربوط به غذاهای شهرهای غربی و شرقی ایرانیان از نظر ابن بطوطه مثبت بوده است که آن شامل ۴ تصویر از شهرهای غربی و ۳ تصویر از شهرهای شرقی بوده است. این تصاویر مثبت می‌تواند ریشه در کیفیت و طعم خوش غذاهای ایرانی داشته باشد و تناسب آن با طبع غذایی ابن بطوطه و نیز مهمان‌دوستی ایرانیان که از دیرباز بهترین غذاهای خود را پیش‌کش مهمانشان می‌کرده‌اند. توجه ابن بطوطه به غذای هر شهر نیز به دلیل این است که وی در ورود به هر شهر بنا به اقتضاء حیات نخست در پی غذا، آن هم از نوع رایگان‌ش بوده است؛ از این رو کیفیت هر غذا و نوع خوردن و شیوه حصولش را به دقت وصف کرده است.

۴. ۲. ۳. آداب و رسوم و مراسم مختلف

یکی از جنبه‌های مورد توجه ابن بطوطه در هر شهری بیان خصوصیات قومی و آداب و رسوم هر شهر می‌باشد. او اطلاعات ارزشمندی درباره کیفیت مجلس وعظ در شوشتر به دست داده است. از جمله این‌که: شنوندگان هنگام سخن گفتن سخنران سؤالات خود را در رقع‌ها می‌نویسند و در پایان جلسه آن رقع‌ها را به سوی واعظ می‌اندازند و او یکایک پرسش‌ها را پاسخ می‌دهد. چون رقع‌ها به شیخ می‌رسید همه را در دست جمع می‌کرد تا در پایان یکایک آن‌ها را برمی‌گشود و جواب‌های بسیار به جا و مناسب می‌داد (ابن بطوطه، ۱۳۶۱: ۲۰۳). این رسم به آن دلیل بوده که شنوندگان بدون خارج کردن رشته سخن از دست سخنران پاسخ خود را در پایان سخنرانی بشنوند. هم‌چنین نشانگر سطح سواد و دسترس بودن ادوات نگارش برای مردم آن شهر در آن دوران بوده است. مطلب دیگر این‌که جلسات وعظ جلساتی سخنران‌محور نبوده است بلکه گفت‌وگو محور بوده و شنوندگان امکان طرح سؤال از مطالب سخنران را داشته‌اند و او نیز خود را مکلف می‌دانسته که به همه آن پرسش‌ها پاسخ دهد.

از خلال نوشته‌های ابن بطوطه می‌توان به بسیاری از آداب و رسوم ایرانیان در مراسم ماتم و تعزیه پی برد در داستان مرگ فرزند اتابک^۱، به رسومات بسیاری اشاره دارد از جمله سیاه پوشیدن هنگام ماتم تا چهل روز و این نشان دهنده نهایت حزن و مصیبت‌زدگی است.

چند نکته در تصاویری که ابن بطوطه در مراسم عزا در ایذه ارائه می‌کند قابل توجه است: این‌که در مراسم مخصوص ماتم و عزاداری هر طبقه اجتماعی لباس مخصوصی داشتند. «چنان‌که افراد خانواده سلطنتی و وزراء همه تلیس (گونی) بر تن داشتند و جلو سر خود را تراشیده بودند. لباس قاضیان و خطیبان و سادات نیز جامه‌ای از پارچه خام پنبه‌ای کلفت که درست دوخته نشده بود و بر سر هر یک خرقة پاره یا پلاس پاره‌ای سیاه بود که این لباس را تا چهل روز بر تن داشتند و نشان دهنده نهایت حزن و اندوه بود که پس از پایان چهل روز سلطان برای هر یک از آنان یک دست تمام جامه می‌فرستاد حتی در این مراسم خود سلطان نیز لباس عادی می‌پوشید و آن جامه پشمین نمدمانندی بود که این نوع جامه را ضعفا در ایام برف و باران یا در مواقع مسافرت بر تن می‌کردند». البته باید توجه داشت که رسم فرستادن لباس برای شرکت‌کنندگان در عزاداری ظاهراً خاص بزرگان و طبقه بالای جامعه بوده است؛ زیرا از توان مالی مردم عادی خارج بود.

توصیف دقیق مراسم عزاداری در ایذه نشانگر این می‌تواند باشد که ابن بطوطه در میان اقوام دیگر و نیز قوم خود کم‌تر با مراسم عزاداری در این سطح روبه‌رو شده است؛ لذا این مراسم باعث جلب توجه وی گردیده و او با همه تفصیل و جزئیات مراسم را وصف کرده است. هم‌چنین این‌که در آن شهر عمده آداب و رسوم عزاداری بر پوشش اعمال می‌شده است نشانگر اهمیت لباس و پوشش برای ایشان بوده و با تغییر لباس در ایام عزاداری و پوشیدن لباس‌های کهنه و غیر راحت، هم‌دردی‌شان را با صاحب عزا نشان می‌دادند.

او در خصوص محل دفن اموات در شیراز و چگونگی مراقبت از مقبره‌ها در این شهر می‌گوید: «بیشتر گورستان‌های شهر در داخل آن واقع است. کسانی که بچه یا زنشان می‌میرند او را در یکی از اتاق‌های خانه خود دفن می‌کنند و آن اتاق را حصیر و فرش می‌اندازند و شمع‌ها در پایین پا و بالای سر قبر می‌نهند و بدین ترتیب اتاق مذکور شکل مقبره به خود می‌گیرد. دری هم با پنجره آهنی از طرف کوچه برای مقبره می‌گذارند که قاریان از این در وارد می‌شوند و به آواز خوش قرآن می‌خوانند» (ابن بطوطه، ۱۳۶۱: ۲۳۳).

نکته‌های قابل توجه این روایت اول احترام و اهمیت زن است که پس از مرگ نیز در خانه خود به خاکش می‌سپردند و خاطراتش را با مراسمی زنده نگه می‌داشتند. دوم اهمیت شعائر اسلامی از جمله قرائت قرآن برای شادی ارواح درگذشتگان بوده است. سوم تکرار رسم ایران باستان در تدفین مردگان می‌باشد. در آن دوران مردگان را در یکی از اتاق‌های خانه به خاک می‌سپردند، کف اتاق را با حصیر می‌پوشانیدند و بنا بر اعتقاد به زندگی پس از مرگ تمام لوازم و مایحتاج زندگی و حتی مقداری خوراک را با او دفن می‌کردند. چهارم این‌که برخی از آداب و رسوم ایران پیش از اسلام همچنان در منطقه کهن فارس پابرجا بوده است (بیانی، ۱۳۵۲: ۶۹).

آنچه از خلال این تصاویر درباره ابن بطوطه می‌توان دریافت از یک سو محوریت مردم در سفرنامه و از سوی دیگر حافظه قوی او در ثبت رویدادها است و تأییدکننده دیدگاه میلوسالوسکی در کتاب نقدی بر ابن بطوطه است که می‌نویسد: «ابن بطوطه از سفرهایش هیچ‌گونه هدف علمی نداشت. او قبل از هر چیزی تمایل شدیدی به این داشت که چگونه مردم در کشورهای مختلف زندگی می‌کنند (میلوسالوسکی، ۸۱ و ۸۸).

ابن بطوطه در توصیف مجالس و خانه‌ها خوارزم آن را بدیع توصیف می‌کند که فرش‌های عالی داشت، پارچه‌ها از دیوار خانه فرو آویخته و در اتاق‌های متعدد آن ظروف نقره مذّهب و ظروف عراقی چیده بودند که معمولاً خانه‌های خوارزم این‌گونه است (ابن بطوطه، ۱۹۹۲: ۴۰۲). در توصیف کاخ امیر خوارزم بیشتر اتاق‌های آن از چوب بود و تالاری قبه‌چوبی مطالایی داشت که دیوارهای آن را با پارچه‌های رنگین و سقف آن را با ابریشم زربفت پوشانده شده بود. امیر روی فرش ابریشمی نشسته بود و پاهای خود را پوشانده بود زیرا بیماری نقرس داشت و این بیماری در میان ترکان شیوع فراوان داشت (ابن بطوطه، ۱۳۶۱: ج ۱ / ۴۰۸). (ابن بطوطه، ۱۹۹۲: ۴۰۲).

به گزارش ابن بطوطه گواهی بخاراییان در خوارزم و دیگر جاها مقبول نیست؛ زیرا مردم این شهر در تعصب و دعوی باطل و انکار حق اشتها دارند و در بخارا کسی که چیزی از علم بداند یا عنایتی به دانش و هنر داشته باشد پیدا نمی‌شود (ابن بطوطه، ۱۳۶۱: ۴۱۴). ریشه این تصویر می‌تواند به این دلیل باشد که ابن بطوطه بعد از حمله مغول بخارا را دیده است لذا او تصریح می‌کند در بخارا کسی که از علم چیزی بداند نیست چراکه تا زمان دیدار او بخارا سه بار مورد تهاجم مغولان واقع شده است. در حالی که قبل از آن بخارا جایگاه فاضلان و یکی از پایگاه‌های علم و دانش به شمار می‌آمده است.

هم‌چنین ابن بطوطه درباره شهرهای خراسان بیان می‌کند که شهرهای خراسان چهار است. دو تا آبادان و دو تا ویران، دوتای آبادان عبارت است از هرات و نیشابور و دوتای ویران عبارت است بلخ و مرو (ابن بطوطه، ۱۳۶۱: ۴۳۳).

شهرهای غربی ایران		شهرهای شرقی ایران	
شیراز	دفن مردگان در خانه	بخارا	تعصب و دعوی باطل و بی‌بهره بودن از علم
	تنوع لباس عزاداری		تخریب بناها به دلیل حمله مغول
	سیاه پوشیدن در عزا تا ۴۰ روز		
تبریز	رواج عطریات و نظام اقتصادی مطلوب	خوارزم	غریب نوازی و رادمرد بودن مردم
	پذیرایی از مهمان (مهمان‌دوستی)		توصیف خانه‌های چوبی خوارزم
			آبادانی هرات و نیشابور
			تخریب بلخ و مرو
شوشتر	سطح سواد و کیفیت مجلس و عظ		

آنچه از لابه لای خاطرات ابن بطوطه درباره تصاویر فرهنگی و اجتماعی شهرهای شرقی و غربی ایران برشمردیم، نشانگر نگاه مثبت ابن بطوطه به آداب و رسوم ایرانیان باشد. او در شهرهای غربی تصاویر بیشتری را از وضعیت معیشت افراد ارائه می‌کند. این احتمال می‌رود چون وی از شهرهای غربی دو بار بازدید کرده است، تصاویر با جزئیات بیشتری همراه بوده است. هم‌چنین در خلال توصیفات ابن بطوطه زن ایرانی دارای شخصیت اجتماعی است که در فعالیت های اجتماعی حضور می‌یابد. در مجموع ابن بطوطه ۶ تصویر از شهرهای غربی ایران ارائه داده است که همگی مثبت است و این دلالت بر به سامان بودن این منطقه از ایران دارد و ۶ تصویر را هم از شهرهای شرقی ایران توصیف کرده که ۳ تصویر آن منفی و ۳ تصویر مثبت بوده است. هرچند از ۳ تصویر منفی ۲ تصویر آن مستقیماً به حمله مغولان و خرابی‌های حاصل آن بازمی‌گردد و تصویر منفی نسبت به مردم بخارا نیز از جمله تصاویر غیر مستقیم است که حاصل شنیده‌های او است.

۴.۳. جنبه‌های دینی و مذهبی

به عقیده پاژو شخصیت‌ها بخش زیادی از وقت خود را در مکان‌های عمومی سپری می‌کنند و یا نظاره‌گر آن‌ها هستند؛ و چه درون مکان باشند و چه بیرون از آن، همواره تصویر معنادار از واقعیت دو نظام فرهنگی متفاوت میان آن‌ها فاصله می‌اندازد؛ تصویر به فرضیه‌هایی می‌انجامد که در نهایت بیانگر نقش یک جامعه در ایدئولوژی‌هایش خواهد بود. آنچه در بررسی سفرنامه نیز مورد توجه است این است که ابن بطوطه در طول سفر خود به هر شهری که وارد شده ابتدا به سراغ اماکن مذهبی و خانقاه‌ها و شخصیت‌های مذهبی رفته، چنان‌که بنا به گفته خودش «زیاد به گردش در شهر اصفهان و توصیف زیبایی‌های آن شایق نبوده است. بیش از این‌ها به دنبال پیر و خانقاهی بوده، بدین سبب زاویه شیخ علی بن سهل را منزل خود ساخته و مورد ملاحظت و پذیرایی شیخ قطب الدین نامی قرار گرفته است». علت این‌که چرا او به دیدن اماکن مذهبی شایق بوده را می‌توان از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار داد. ابتدا این‌که انگیزه اصلی ابن بطوطه از آغاز سفر، مذهبی و انجام فریضه حج بوده است. آن‌گونه که خودش در ابتدای سفرنامه بر نداشتن همراه و رفیقی در طول سفر، و داشتن انگیزه نیرومند و ترک وطن برای شوق دیدار مکان‌های مذهبی تأکید می‌کند (ابن بطوطه، ۱۳۶۱: ۷). بنا به گفته کراچکوفسکی نیز تحصیل او در علوم دینی بر اساس تعالیم فرقه مالکی بود که آن زمان در شمال آفریقا پیروان فراوانی داشت و بی‌گمان او در فقه مالکی دارای معلوماتی بوده است (کراچکوفسکی، ۱۳۷۹: ۳۳۱). هم‌چنین علاوه بر دانش دینی که خودش داشت خانواده او نیز اهل فقه و قضاوت بودند. ابن بطوطه چنان‌که خودش می‌گوید در مکه با فقیهی از مردم طنجه به نام ابوالحسن علی بن رزق‌الله انجری آشنا شد که با پدرش دوستی داشت و هرگاه این فقیه به طنجه وارد می‌شد در خانه آنان اقامت می‌گزید. از این گفتار برمی‌آید که احتمالاً خانواده او نیز با اهل فقه و قضا مرتبط بودند (موسوی بجنوردی، ۱۳۶۹ ج ۳: ۱۲۱). هم‌چنین در دو مورد از سفرنامه به وضع خانوادگی خود اشاره می‌کند. یکی در مذاکرات خود با سلطان هندوستان، که می‌گوید پدران او از مشایخ و قضات بوده‌اند و یکی در شرح مسافرت به اندلس که قاضی شهر رونده را یکی از بنی اعمام خود معرفی می‌کند. با توجه به این‌که نگرش مذهبی

بر گزینش مکان‌ها تأثیر دارد، بنابراین از توجه خاص ابن بطوطه بر اماکن مذهبی می‌توان به دیدگاه دینی و مذهبی او پی‌برد (ابن بطوطه، ۱۳۶۱: ۱۵).

از سفرنامه هم می‌توان به‌عنوان راهنمای اماکن مذهبی و زیارتی سود جست و هم به‌عنوان معجمی دربارهٔ مشایخ و قضات و خطیبان و عالمان. ابن بطوطه ابعاد مختلف زندگی ایرانیان را مورد توجه قرار داده است؛ از جمله: توجه به جدال‌های مذهبی شیعه و سنی در اصفهان، ملاقات با شخصیت‌های دینی و علمی در طول سفر خود، دیدار از اماکن مذهبی و خانقاه‌ها در شهرهای مختلف، اشاره به گروه فتیان و جوانمردان و رقابت بین این گروه‌ها در اصفهان، خانقاه‌های بسیار در آبادان و پرهیزگاری مردمانش، احترام به بزرگان صوفیه در روایت او از ایذه، تعصب مذهبی ابن بطوطه نسبت به شیعیان (سربداران) و دشمن انگاشتن ایشان، آیین دادگری در میان این گروه از شیعیان، حضور سادات در شیراز و قرآن‌خوانی شیرازیان به علت وجود مزارهای سه برادر امام رضا-ع -، توصیفات ابن‌بطوطه دربارهٔ ضریح امام رضا-ع- (همان: ۴۱۴). هم‌چنین از آنجایی که ابن‌بطوطه خود اهل تسنن بوده است و موضع سخت‌گیرانه‌ای نسبت به شیعیان داشته و این تعصب را در داستان شیعه شدن العجایتو شاهد هستیم (همان: ۲۲۵).

ابن بطوطه از رسمی در میان خوارزمیان می‌نویسد که ظاهراً مورد پسند او قرار گرفته زیرا از آن با ذکر رسم پسندیده نام می‌برد که در هیچ جای دیگر نیست. این‌که هر کس برای نماز در مسجد حاضر نشود در ملاءعام تازیانه‌اش می‌زدند و جریمه نیز می‌شد. (همان: ۴۰۶). بر اساس این تصویر از یک‌سو نگاه و عمل‌کرد سختگیرانه و غریب مردم خوارزم آشکار می‌شود و از سوی دیگر بر اساس نگرش مثبت ابن بطوطه به این تصویر، شخصیت متعصب و قشری مسلک وی روشن می‌شود.

اصطلاح نقیب در بعضی نقاط تفاوت می‌کرد که به گفته ابن بطوطه در شهر مشهد به جهت موقعیت خاص مذهبی این شغل اهمیت فوق‌العاده داشت. نقیب با عنوان طاهر خوانده می‌شد که در مصر و شام نقیب و در سند و هند و ترکستان سیداجل می‌گویند (همان: ۴۴۱). از فحوای کلام ابن بطوطه و نفوذ نقیبان شیعه در همه اصناف می‌توان نگاه منفی وی نسبت به نقیبان را دریافت که این نگاه منفی نیز ریشه در عقائد متعصبانه وی دربارهٔ شیعیان دارد.

شهرهای شرقی ایران		شهرهای غربی ایران	
+	رسم تازیانه‌زدن به دلیل حضور نیافتن در نماز جماعت	+	گروه فتیان و جوانمردان و رقابت آن‌ها در کارهای خیر
-	مقام نقیب	+	خانقاه‌های بسیار آبادان
-	سربداران	+	قرآن‌خوانی بر سر مزارها

در این بخش نیز شاهد ۳ تصویر مثبت از شهرهای غربی و ۲ تصویر منفی و ۱ تصویر مثبت از شهرهای شرقی هستیم. هر چند تصویر مثبت ارائه شده از نگاه متعصبانه ابن بطوطه نشأت می‌گیرد. در مجموع می‌توان غلبه نگاه مثبت ابن بطوطه را به شهرهای غربی ایران نسبت به شهرهای شرقی دریافت که ریشه آن می‌تواند به اوضاع به‌سامان این-شهرها و فراغت ابن بطوطه در آنجا باشد و نیز شباهت بیش‌تر این شهرها با زیست‌بوم و پیش‌فرض‌های فکری و اعتقادی وی.

۴.۴. جنبه‌های سیاسی

فرهنگ سیاسی در یک جامعه را می‌توان انتظارات و تمایلات گوناگون افراد آن جامعه دانست که در رفتارها و باورهای سیاسی آن‌ها مؤثر و قابل تشخیص است. از جمله حکومت‌هایی که ابن بطوطه از آن‌ها گزارش می‌دهد، حکومت اتابکان لر است. اگر بخواهیم بر اساس مشاهدات و گزارش‌های ابن بطوطه از ایران قرن هشتم ه. ق، تصویری از فرهنگ سیاسی جامعه‌ی ایران ارائه کنیم به چند عنصر اصلی می‌توانیم اشاره نماییم. یکی از این عناصر، آرمان‌خواهی است. آرمان‌خواهی در این دوره را می‌توان در اعتراض به حکومت به‌ویژه توسط شیعیان جستجو کرد؛ مانند آنچه در قیام سربداران خود را نشان داد.

از دیگر عناصر فرهنگ سیاسی اواخر ایلخانی و عصر فترت که مورد توجه ابن بطوطه نیز قرار گرفت، تلاش حکومت‌ها برای نشان دادن شایستگی‌های خود یا همان مشروعیت خود بود. این عنصر مهم از فرهنگ سیاسی که مختص به هیأت حاکمه بود به دلیل هرج و مرج و ناامنی موجود در دوران فترت، در قالب‌های مختلف از جمله ظلم-ستیزی و برقراری عدالت خود را نشان داد. انجام امور عام‌المنفعه و رسیدگی به مردم در برخی از حکومت‌های این دوران به همین منظور است. به‌عنوان نمونه ابن بطوطه از اتابک احمد یاد می‌کند که در زمان حکومت خود چهارصد و شصت خانقاه را آباد کرده بود. «اتابک احمد مالیاتی را که می‌گرفت بر سه قسمت می‌کرد، یک‌سوم آن را به مصرف مخارج زوایا و مدارس می‌رساند و یک‌سوم مخارج قشون می‌کرد و یک‌سوم باقی صرف مخارج شخصی او و حرم سلطنتی و خدام و غلامان می‌شد که از این قسمت همه‌ساله هدایایی هم برای سلطان ابوسعید پادشاه عراق می‌فرستاد و گاهی خود نیز به دیدار آن پادشاه می‌رفت» (ابن بطوطه، ۱۳۶۱: ۲۴۰). در اغلب مقاطع ایران، فرهنگ و نگرش سیاسی گروه‌های حاکم به دلایل عمیق تاریخی و اجتماعی و روان‌شناختی نگرشی فردگرا بوده که در آن ساخت قدرت به‌عنوان رابطه‌ای عمودی و آمرانه از بالا به پایین میان حکام و مردم تصور می‌شده است؛ در این زمان نیز ارتباط عمیق میان مردم و حکومت شکل نمی‌گیرد و مردم نقش زیادی در مناسبات سیاسی پیدا نمی‌کنند و تا حدود زیادی به‌عنوان ابزار حکومت برای تحقق اهداف خود به‌حساب می‌آیند. نمونه‌هایی از این نگاه در سفرنامه‌ی ابن بطوطه دیده می‌شود. او در رویارویی با اتابک افراسیاب با فردی دائم‌الخمر روبرو می‌شود که حتی رئیس فقهای آن دیار نیز جرأت نصیحت کردن او را ندارد و زمانی که ابن بطوطه با زیرکی و غیر مستقیم اتابک را پند می‌دهد و زهد و پاکی پدر را به او یادآور می‌شود، مولانا فضیل در هنگام خروج برای تشکر از ابن بطوطه کفش او را می‌بوسد (همان: ۲۴۳).

یکی از ابعاد مورد توجه ابن بطوطه در شهرهای شرقی و غربی توجه به رفتار حاکمان و امیران شهرها می‌باشد. امیر خوارزم هر روز به مجلس قاضی می‌آید و یکی از امرای بزرگ با هشت تن دیگر از امیران و ریش سفیدان ترک که «یارغوچی»^{۱۱} نامیده می‌شوند، نیز در آن مجلس حضور می‌یابند. ابن بطوطه نحوه قضاوت در آن مجلس را این‌گونه توصیف می‌کند: آنچه از محاکمات که راجع به قضایای شرعی باشد قاضی حکم می‌دهد و آنچه مربوط به شرع نباشد امرای مزبور درباره آن قضاوت می‌کنند و احکام آنان بسیار مضبوط و عادلانه است، زیرا احدی را به میل و هوس خود متهم نمی‌دارند و رشوه هم از هیچ‌کسی نمی‌گیرند (ابن بطوطه، ۱۳۶۱: ۴۰۹). ستایش رفتار و قضاوت عادلانه امیر خوارزم در این تصاویر قابل توجه است. امیری که در مجلس قاضی حاضر می‌شود و روندی تخصصی برای صدور احکام تعریف کرده است و بر این صدور احکام نظارت می‌کند.

سلاح‌سازی در بازار شیراز رو به زوال رفته یا محدود به تأمین احتیاجات آل اینجو می‌شده، زیرا ابن بطوطه می‌نویسد که شاه ابواسحاق اعتمادی به مردم شیراز نداشته و به آنان اجازه حمل اسلحه نمی‌داد. به طوری که اگر کسی از مردم شهر با خود اسلحه می‌داشت مورد تعقیب و تنبیه مأموران واقع می‌شد. ثروت شاه ابواسحاق به حدی بوده است که در زمان دیدار ابن بطوطه هزاران کارگر در ساختمانی شبیه به ایوان کسری به فرمان وی به بیگاری مشغول بودند و حتی برخی کلنگ‌ها را از نقره ساخته بودند. این تصویر می‌تواند نشانگر فراوانی نقره خام در شیراز نیز باشد^{۱۲}. هم-چنین ابن بطوطه در هرمز به رفتار متواضعانه و ساده‌پوشی پادشاه هرمز اشاره دارد^{۱۳}.

شهرهای شرقی ایران		شهرهای غربی ایران	
+	حضور امیر خوارزم در مجلس قضاوت	+	زوال صنعت اسلحه‌سازی و عدم اجازه حمل آن
+	عدالت در قضاوت	-	دائم‌الخمر بودن اتابک
+	عدم دریافت رشوه	+	صرف مالیات برای آبادانی خانقاه‌ها
		+	رفتار متواضعانه و ساده‌پوشی پادشاه

یکی از جنبه‌های مورد توجه در شهرهای مورد بازدید ابن بطوطه، رفتار پادشاهان و بزرگان هر منطقه با او است. اغلب تصاویر ارائه شده در رحله، نسبت به اوضاع سیاسی حاکمان مثبت می‌باشد.

ابن بطوطه ۴ تصویر درباره شهرهای غربی ایران ارائه داده که ۳ تصویر آن مثبت و ۱ تصویر آن منفی است و ۳ تصویر ارائه شده از شهرهای شرقی ایران مثبت می باشد. تصویر منفی شهرهای غربی نیز به دائم الخمر بودن اتابک اختصاص دارد که نشانگر پایبند نبودن به احکام شرعی در این شهرها نسبت به شهرهای شرقی است.

بررسی شهرهای شرقی و غربی ایران در رحله ابن بطوطه

شهرهای شرقی				شهرهای غربی				مولفه
مشهد	خوارزم	بخارا	بلخ	هرمز و کیش	تبریز	شیراز	اصفهان	
صادرات پارچه به هندوستان	بازارهای خوب و عمارات بسیار	ویرانی بازارها	ویرانی بازارها	بازارهای خوب، تجارت نمک و مروارید	نظم بازارها	وجود بازار واصنا ف (کلو)	نظم بازار و کلوها	اقتصاد
نقیب	جمعیت زیاد، خانه‌های چوبی، شیوع بیماری نقرس	عدم مقبولیت گواهی، رسم مصافحه بعد نماز	فعالیت اجتماعات زنان	عادات غذایی خرماوماهی	عادات غذایی، رقابت و زیبایی بین زنان ترک	موقعیت اجتماعی زنان، عادات غذایی	مهمان- نواز، زیبار و و صنعت نساجی	فرهنگی
	رفتار امیر خوارزم در قضاوت	گزارشی از رفتار حاکمان (دل کپکخان)		اخلاق پادشاه هرمزو سادگی پوشش		خصوصیات اخلاقی ابواسحاق، بی- اعتماد او به شیرازیان		سیاسی
حرم امام رضا، شخصیت های دینی	خانقاه نجم الدین کبری	خانقاه باخزری	مسجد و مزارات، دولت سربداران	مزار خضرو الیاس و شخصیت های بزرگ دینی		وجود سادات، قرآن خوانی مراسم عزاداری، توجه به خانقاه	اختلاف مذهبی میان شیعه و اهل سنت	دینی

نتیجه

با مطالعه تصاویر ایرانیان در سفرنامه ابن بطوطه، می‌توان شهرهای شرقی و غربی ایران را از لحاظ فرهنگی-اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و مذهبی بررسی کرد. از مجموع ۴۸ تصویر ارائه‌شده از شهرهای شرقی و غربی ایران در این سفرنامه، ۳۵ تصویر مثبت و ۱۲ تصویر منفی و ۱ تصویر خنثی بوده است. از این میان ۲۷ تصویر به شهرهای غربی اختصاص دارد که ۲۵ تصویر آن مثبت و ۲ تصویر آن منفی بوده است و ۲۱ تصویر به شهرهای شرقی مرتبط است که ۱۳ تصویر مثبت، ۷ تصویر منفی و ۱ تصویر خنثی بوده است. از مجموع تصاویر ایرانیان ۵۳ درصد آن به مؤلفه‌های اجتماعی و توجه ابن بطوطه به شاخصه‌های زنان، عادات غذایی و آداب و رسوم بازمی‌گردد. غلبه بعد اجتماعی نسبت به دیگر تصاویر نشانگر جلب توجه جهانگرد مراکشی به ابعاد زندگی اجتماعی ایرانیان است که بنابر مبانی نظری تصویرشناسی به تفاوت‌های زیست‌بوم نویسنده خارجی با کشور محل بازدیدش بازمی‌گردد. تقابل ۲۱ تصویر مثبت در برابر تنها ۴ تصویر منفی نشانگر نگرش مثبت ابن بطوطه به ایرانیان است. از میان این ۴ تصویر منفی ۳ تصویر آن مربوط به شهرهای شرقی است که بیانگر نگاه منفی‌تر ابن بطوطه به ابعاد اجتماعی این منطقه است. یکی دیگر از خصوصیات ابن بطوطه توجه به ویژگی‌های ظاهری و اندام زنان در خلال توصیفاتش بوده که بیانگر تمایلات نفسانی او به زنان به سبب مجرد بودنش در طول سفر می‌باشد. این تصاویر درباره زنان اقوام دیگر بسیار آشکار و جنسی بوده است اما درباره زنان ایرانی خصوصاً زنان شرقی کم‌تر شاهد این‌گونه تصاویر هستیم. فعالیت‌های اجتماعی زنان نیز هم در شرق و هم در غرب ایران متأثر از وضعیت اقلیمی و جغرافیایی و هم‌چنین تنوع فرهنگی و آداب و رسوم در هر شهر می‌باشد.

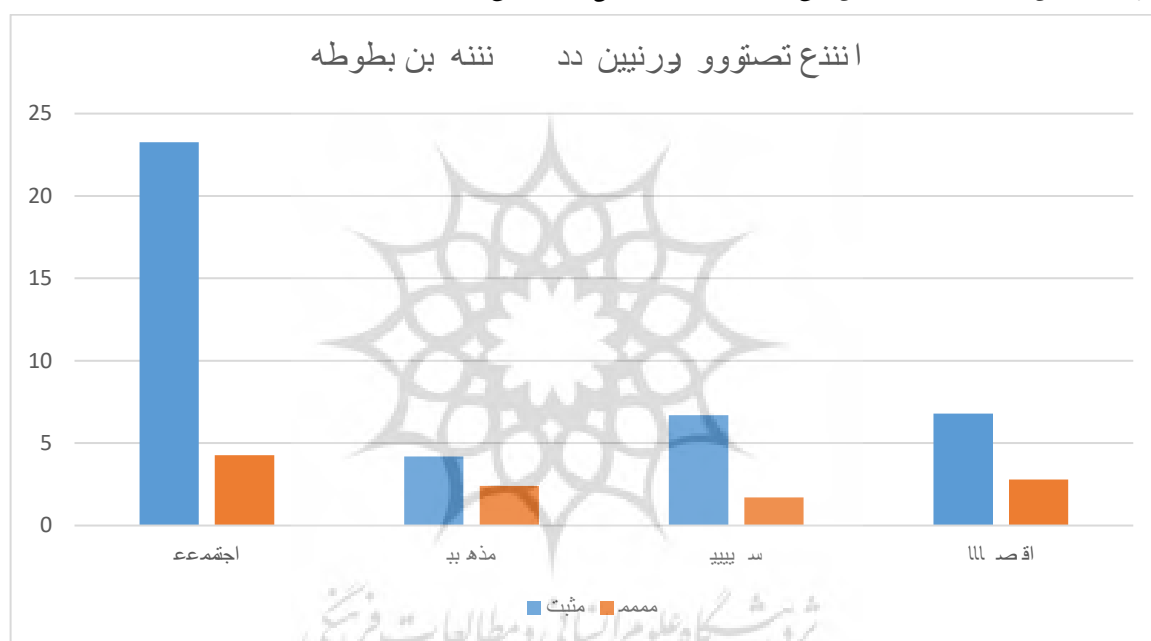
پس از تصاویر اجتماعی، تصاویر اقتصادی با ۱۶ درصد رتبه دوم تصاویر را دارد. در میان کل تصاویر ارائه شده تنها شاهد ۲ تصویر منفی هستیم که آن هم به شهرهای شرقی اختصاص دارد. دلیل این تصاویر منفی هم ویرانی‌های حاصل از حمله مغولان بازمی‌گردد. نگاه کاملاً مثبت ابن بطوطه به شهرهای غربی از منظر اقتصادی بیانگر اوضاع به‌سامان و مناسب این خطه از ایران است. از جمله شباهت‌های تصاویر ارائه‌شده بین شهرهای شرقی و غربی ایران می‌توان به برخی جنبه‌های اقتصادی و نظم و ترتیبی که در بازارها حکم فرما بوده و وجود اصناف مختلف اشاره کرد. هرچند در شهرهای شرقی ایران به دلیل حمله مغول بازارها ویران شده بودند و از این نظر تفاوت‌هایی داشتند.

تصاویر سیاسی با ۱۴ درصد در جایگاه سوم فراوانی تصاویر ایرانیان در سفرنامه ابن بطوطه قرار دارد. بیان ۱ تصویر منفی از شهرهای غربی ایران آن هم به دلیل دائم‌الخمر بودن یکی از حکام آن بیانگر اوضاع مناسب و امنیت کافی در شهرهای ایران بوده است که در این میان تفاوت خاصی میان آن‌ها نیست.

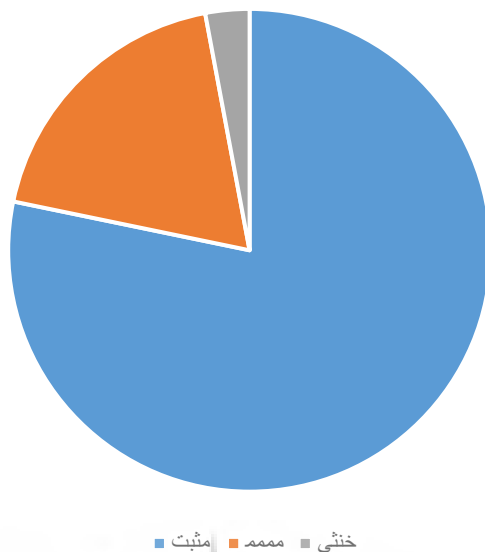
آخرین تصاویر با ۱۲ درصد به تصاویر مذهبی بازمی‌گردد که ۲ تصویر از مجموع ۶ تصویر ارائه‌شده منفی است و آن مربوط به شهرهای شرقی است. با توجه به انگیزه مذهبی سفر ابن بطوطه و این‌که در هر شهر نخست به سراغ تصاویر مذهبی می‌رفته انتظار این است که بیش‌ترین تصاویر به این مؤلفه اختصاص یابد اما نمود کم آن را می‌توان به مشابهت ایران از منظر مذهبی با زیست‌بوم و پیش‌فرض‌های مذهبی ابن بطوطه مرتبط دانست که باعث جلب توجه‌اش

نشده است. این که ابن بطوطه در هر شهری نخست به سراغ خانقاه‌ها و شخصیت‌های مذهبی و دینی می‌رفته است می‌تواند ریشه در خانواده دینی، انگیزه مذهبی او برای سفر و همچنین تحصیلات او در زمینه دینی و فقه مالکی باشد و هم‌چنین محل اقامت و غذای رایگان در همین خانقاه‌ها برای او تأمین می‌شده است. یکی دیگر از جنبه‌های شباهت شهرهای شرقی و غربی وجود همین خانقاه‌های بسیار و رواج تصوف در این عصر می‌باشد.

در مجموع می‌توان چنین نتیجه گرفت که حدود ۸۰ درصد از تصاویر مربوط به شهرهای شرقی و غربی ایران در سفرنامه ابن بطوطه مثبت و ۲۰ درصد آن منفی است. غلبه نگاه مثبت ابن بطوطه به ایرانیان می‌تواند ریشه در شباهت‌های اجتماعی و فرهنگی میان ایران و طنجه داشته باشد و نیز به سامان بودن اوضاع ایران نسبت به دیگر کشورها و سرزمین‌ها. هم‌چنین ارائه ندادن تصاویر خنثی از سوی ابن بطوطه به این معنا می‌تواند باشد که وی مایل است درباره هر تصویر قضاوتش را بیان کند که این می‌تواند ریشه در شغل وی یعنی قضاوت داشته باشد.



وزن تصاویر مثبت، منفی و خنثی در سفرنامه ابن بطوطه



موزن تصاویر شه‌شهری غی‌غی بی



مولفه	ابن بطوطه	نتایج
اقتصادی	نظم بازارها و رونق آن	+ ۶
		- ۲
اجتماعی	تصاویر زنان	+ ۶
		- ۱
	عادات غذایی	+ ۷

+۹	آداب و رسوم	
-۳		
+۴	خانقاه و اماکن مذهبی	مذهبی
-۲		
+۶	رفتار حاکمان	سیاسی
-۱		
۴۸		کل تصاویر
۳۸ (۷۹٪)		تصاویر مثبت
۹ (۱۹٪)		تصاویر منفی
۱ (۲٪)		تصاویر خنثی
۱۳ / -۷ / + ۱*		شهرهای شرقی
-۲ / + ۲۵		شهرهای غربی

پی‌نوشت

۱. نک: گویارد، ام.اف. (۱۳۷۴). ادبیات تطبیقی. ترجمه: دکتر علی اکبر خان محمدی. تهران: نشر پازنگ.

۲. Imagology

۳. به گفته کراچکوفسکی ابن بطوطه درغرناطه با محمدبن جزی کاتب سفرنامه خود آشنا شد. سرانجام درسال ۷۷۹ ق درگذشت. به گمان وی، نگارش ماجرای سفر ابن بطوطه به ابتکار ابوعنان صورت گرفته است و او ابن جزی را به عنوان کاتب ابن بطوطه برگزیده است.

۴. از منظر نشانه‌شناسی تصویرشناسی قابلیت تحلیل دارد که نگاه منتقدان اسلامی همچون ابن خلدون نیز می‌تواند رهگشا باشد. نک: (صدیقی و حسینی، ۱۳۹۹)

۵. نک: (حموی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۴۵۲)

۶. رک: ابن بطوطه، ۱۳۶۱: ۴۰۵.

۷. در گفته‌های ابن بطوطه درباره مهمانی خاتون در خوارزم درباره پوشش خاتون می‌نویسد که زنی را دید جامه شوخگین برتن و مقنعه‌ای بر سر داشت که این مسأله باعث شد او خاتون را نشناسد و نشان از ساده پوشی زنان در مشرق ایران دارد (ابن بطوطه، ۱۳۶۱: ۴۱۰).

۸. درباره‌ی زنان در سفرنامه ابن بطوطه رک: (قبول و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۹۵-۶۱۲).

۹. یاقوت در سال ۶۱۶ ه. ق. خوراک هر یک از مردم خوارزم را به مانند ثروتمندان آن شهر می‌داند و در خوارزم از لذایذ و پرخرجی شهرهای دیگر یافت نمی‌شود (حموی، ۱۳۸۰: ۴۸۲).

۱۰. ابن بطوطه، ۱۳۶۱: ۲۰۷.

۱۱. یارغو یا یرغو در زبان ترکی از ماده یار *yar* به معنی شکافتن، دو نیم کردن + (غو) پسوند نام ساز به معنی وسیله‌ای برای شکافتن موضوع و کشف حقیقت، بازجویی، استنطاق، محکمه و داوری است. یارغوچی به معنای بازپرس، بازجو و قاضی از همین ریشه است. (موسوی، مصطفی (۱۳۸۴). «واژگان ترکی و مغولی جهانگشای جوینی». آینه میراث. ش: ۳۰-۳۱. ص: ۸۵).

۱۲. بحرانی‌پور، علی (۱۳۸۸). اصناف و صنایع در بازار شیراز در سده هفتم و هشتم. تاریخ ایران. شماره ۵ / ۶۲

۱۳. رک: ابن بطوطه، ۱۳۶۱: ۳۰۲.

کتابنامه

۱. ابن بطوطه. (۱۹۹۲). *تحفة النظار فی غرائب الامصار و عجائب الاسفار*. بیروت: دارصادر.
۲. ابن بطوطه. (۱۳۶۱). *رحله ابن بطوطه*. ترجمه: محمد علی موحد. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۴. بیانی، شیرین. (۱۳۵۲). *زن در ایران عصر مغول*. تهران: دانشگاه تهران.
۵. حموی، یاقوت (۱۳۸۰). *معجم البلدان*. ترجمه: منزوی، علینقی. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
۶. دهخدا، علی اکبر (۱۳۶۱). *لغتنامه*. تهران: دانشگاه تهران.
۷. زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۸). *تاریخ ایران بعد از اسلام*. تهران: امیرکبیر.
۸. غزالی، ابو حامد محمد (۱۳۶۶). *احیاء علوم الدین، ربع عبادات*. ترجمه: مؤید الدین خوارزمی. چاپ دوم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۹. کراچکوفسکی، ایگناتی یولیانوویچ. (۱۳۷۹). *تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلام*. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۰. گویارد، ام. اف. (۱۳۷۴). *ادبیات تطبیقی*. ترجمه: دکتر علی اکبرخان محمدی. تهران: نشرپاژنگ.
۱۱. قلقشندی، احمد بن علی (۱۳۸۰). *جغرافیای تاریخی ایران در قرن ۹ برگرفته از کتاب قلقشندی صبح الاعشی فی صناعة الإنشاء*. ترجمه: محبوب زویری. تهران: وزارت امور خارجه.
۱۲. موسوی بجنوردی، کاظم. (۱۳۶۹). *دایرة المعارف بزرگ اسلامی*. ج ۳. تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
۱۳. محبتی، مهدی. (۱۳۸۹). *پوشش و حجاب زن در ادبیات فارسی*. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۱۴. بحرانی‌پور، علی. (۱۳۸۸). «اصناف و صنایع در بازار شیراز در سده هفتم و هشتم». *فصلنامه تاریخ ایران*. شماره ۵ / ۶۲. ص ۱-۲۵.
۱۵. پروینی، خلیل. کنجوریان، فرشته (۱۳۸۸). «بررسی سفرنامه ابن بطوطه از منظر ادبیات تطبیقی». *نشریه ادبیات تطبیقی*. شماره ۱. ص ۱۹-۳۷.

۱۶. صدیقی، بهار. حسینی، سیدمحمدباقر. (۱۳۹۹). «خوانش دیدگاه زبانشناختی ابن خلدون بر بنیان انگاره سوسور». فصلنامه زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی مشهد. سال ۱۲، شماره ۱. ص ۱-۱۶.
۱۷. خیراندیش، عبدالرسول. منصور، علی. (۱۳۹۱). «منازعات اجتماعی درون شهری شیراز در قرن هشتم و نقش عوامل بیرونی در آن». فصلنامه دانشگاه الزهراء. سال ۲۲. شماره ۱۶. ص ۴۷-۶۲.
۱۸. گنجی، نرگس. اشراقی، فاطمه. (۱۳۹۳). «تصویر ایران و ایرانیان در سفرنامه ابن بطوطه». مجله کاوش نامه ادبیات تطبیقی. شماره ۱۵. ص ۱۵۷-۱۸۰.
۱۹. قبول، احسان و همکاران (۱۳۹۷). «تصویرشناسی زنان در سفرنامه ابن بطوطه». مجله زن در فرهنگ و هنر. دوره ۱۰، شماره ۴. ص ۵۹۵-۶۱۲.
۲۰. موسوی، مصطفی. (۱۳۸۴). «واژگان ترکی و مغولی جهانگشای جوینی». مجله آینه میراث. ش: ۳۰-۳۱. ص ۵۷-۸۹.
۲۱. نانکت، لاتیشیا. (۱۳۹۰). «تصویرشناسی به منزله خوانش متون نثر معاصر فرانسه و فارسی». ترجمه: دقیقی، مژده. ادبیات تطبیقی. شماره: ۳. ص ۱۰۰-۱۱۵.
۲۲. کنجوریان، فرشته. (۱۳۸۷). «بررسی ادبی و هنری سفرنامه ابن جبیر و ابن بطوطه». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.

